مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۳۶،
دوره اول،
سال پنجم،
بهار ۱۳۹۹،
صص ۱-۲۴

بررسی تطبیقی عدالت مالیاتی در نظام حقوقی ایران و آمریکا

سیدرضا حسینی[۱]

چکیده

وصول و تامین درآمدهای مالیاتی از ضروریات هر حکومت، دولت و در نهایت هرجامعه می‌باشد. نظام مالیاتی در کنار اخذ مالیات برای اداره جامعه و تامین هزینه‌های عمومی کشور به دنبال ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. برای ایجاد نظام مالیاتی عادلانه و منطبق با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در هر کشوری می‌بایست در کنار علت و ریشه‌یابی عدم تعلق مالیاتی و مالیات گریزی در ایران و نظام دوگانه مالیاتی(مذهبی و ملی) در کشور به دنبال علل رشد جوامع و دولت‌های پیشرفته مانند آمریکا که دارای تجربه طولانی و موفق در این حوزه می‌باشد، هستیم. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و از منظر دیگر می‌توان بنیادی و تا حدودی کاربردی دانست، با ملحوظ قرار دادن مراتب و قرابت دو نظام اقتصادی ایران و آمریکا بالاخص در زمینه حقوق مالی و به واسطه آن رغبت حقوق‌دانان و اقتصاددانان داخلی به واکاوی چالش ها و فرصت ها در این حوزه، نگارنده را برآن داشته تا با مطالعه چگونگی تحول و تکامل در مقوله رفتاری، هنجاری و ساختاری نظارت بر روند کسب درآمدهای مالیاتی به ویژه رفتارهای عادلانه در این حوزه گام اولیه برای ژرف‌نگری علمی و حقوقی فارغ از مباحث اقتصادی و با تمرکز بر ابعاد حقوقی این موضوع بردارد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد، با توجه به شکل اقتصاد ایالات متحده که بر پایه اندیشه سیاسی لیبرالیسم و در پی حمایت از سرمایه داری(کاپیتالیسم) و بخش خصوصی می‌باشد، استفاده صرف از تجربیات این کشور و انطباق آن با قوانین جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند مفید باشد.

واژگان کلیدی: مالیات، مالیات در ایران، عدالت مالیاتی، مالیات در آمریکا، حقوق مالیات

۱دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

هزینه‌های عمومی و کسب و حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره و به واسطه آن اطمینان‌مندی از بهره مندی شهروندان از حقوق خود و افزایش سطح رفاه و مقبولیت اجتماعی و همچنین برای تامین نمودن هزینه‌های عمومی، هر یک از دولت‌ها از آحاد تبعه خود مالیات[۱] دریافت می‌نمایند. دریافت مالیات از بخش‌های مختلف جامعه منجر به حفظ و بقای تمدن، فرهنگ و مقبولیت دولت‌ها و کشورها به شمار می‌آید. همچنین مالیات به عنوان اصلی ترین بخش منابع درآمدی کشورهای توسعه یافته[۲] و مترقی به حساب می‌آید. با نگاهی به بودجه کشورمان در دهه‌های گذشته برخلاف بودجه[۳] پیشنهادی سال ۱۳۹۵ که بخش مربوط به درآمدهای نفتی به کمتر از ۲۵ درصد کل درآمدهای دولت رسیده است و بخش مالیاتی قسمت بالقوه آن محسوب می‌شود. در دهه‌های پیشین بخش درآمدهای مالیاتی بسیار محدود و اندک بوده است. تجربیات جهانی در دهه‌های اخیر بیانگر این مطلب است که هر چقدر میزان تمکین مالیاتی در یک سیستم مالی بیشتر باشد، به همان میزان درآمدهای وصولی بخش مالیاتی افزایش می‌یابد و شاخص‌های کلان اقتصادی نیز به تبع آن افزایش خواهد یافت. از منظر دیگر هرچقدر میزان متوسط دریافتی از اقشار مشمول قانون به طور یکسان (با توجه به نظریات عدالت مالیاتی[۴]) و عادلانه اخذ گردد، به همان میزان مالیات گریزی و همچنین میزان احساس تعلق افراد به سیستم مالیات دهی و مقبولیت دولت‌ها افزوده می‌گردد. این مقوله در درجه اول از دیدگاه اقتصادی شاخص بوده و لیکن تاثیر مستقیم این موضوع به دیگر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی بیانگر این مسئله است که افزایش جذب اقشار مختلف جامعه در لایه‌های مختلف آن و احساس رضایتمندی از میزان مشارکت در پرداخت مالیات و عادلانه احساس کردن آن، علاوه بر ایجاد رونق اقتصادی[۵] و امنیت روانی در ساختار اقتصادی جامعه، نهایتاً میزان مقبولیت اجتماعی و سیاسی افراد نسبت به سیستم حاکمیتی افزایش یافته و چالش‌های امنیتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جامعه کاهش چشمگیری خواهد داشت(توسلی نائینی،۱۳۹۵:۴۸).

مالیات چنان که اشاره شد از بزرگترین بخش‌های منابع درآمدی دولت‌ها در جهان به شمار می‌رود هرچند سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در بین کشورهای گوناگون، متفاوت می‌باشد. این تفاوت در بررسی عمیق تر بیانگر جایگاه کشورها در هرم اقتصادی و سیاسی و همچنین توسعه پایدار[۶] (نه رشد اقتصادی مقطعی) است.

مطالعه تطبیقی بین کشورهای پیشرفته مانند گروه هشت [۷] که سهم درآمدی مالیاتی در آنها بالای ۹۰ درصد درآمدهای دولت متبوعشان است با کشورهای در حال توسعه و جهان سوم که به واسطه داشتن منابع درآمدی

---

۱ Tax

۲ Developed countries

۳ budjet

۴ Tax justice

۵ Economical boom

۶ Sustainable development

۷- کشورهای گروه هشت عبارتند از : آمریکا ، روسیه ، ژاپن ، ایتالیا ، آلمان ، فرانسه ، کانادا و انگلستان - G8

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

حاصل از مواد معدنی[۱] و کانی، درآمدهای مالیاتی آنها بسیار کمتر بوده و میزان پاسخگویی این دولت‌ها به واسطه عدم نیاز به کسب رضایت مالیات دهندگان خود در سطح پایینی قرار دارد و بیشتر انقلاب‌ها[۲] و ناآرامی‌های اجتماعی که تاییدکننده نظریه لورنز[۳] می‌باشد. در این کشورها اتفاق می‌افتد. وصول و تامین درآمدهای مالیاتی از ضروریات هر حکومت دولت و در نهایت هر جامعه می‌باشد و نیازمندی‌های مالی دولت‌ها و اهداف کلان سیاسی و اقتصادی آنها و همچنین چارچوب‌های قانونی ایشان منجر به تلاش هرچه بیشتر در این حوزه می‌شود.

همچنان که در سطور فوق اشاره شد از مهمترین و اصولی‌ترین راه‌های افزایش درآمدهای مالیاتی و تحقق اهدافی مانند؛ عدالت توزیعی[۴]، عدالت اجتماعی[۵] و تحقق عدالت اجتماعی و توزیعی، تلاش برای بالا بردن تمکین مالیاتی در افراد جامعه می‌باشد. (رنگرز و خورشیدی، ۱۳۸۳: ۹۱)

تحقیقات بیانگر این مسئله است که هر اندازه تمکین مالیاتی[۶] در یک سیستم مالی افزایش یابد به همان میزان درآمدهای وصولی بخش مالیاتی بالا می‌رود و شاخص‌های کلان اقتصادی مانند: نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی[۷]، نسبت درآمدهای واقعی مالیاتی به درآمدهای پیش بینی شده در بودجه و میزان درآمدهای مالیاتی خوداظهاری و داوطلبانه به کل درآمدهای اخذ شده مالیاتی افزایش می‌یابد.

باید اشاره نمود که پرداخت مالیات از شاخص‌های اقتصاد سالم[۸] می‌باشد که در صورت تحقق آن منجر به توسعه یافتگی اقتصادی خواهد شد. پرداخت صحیح و به موقع مالیات و داشتن سیستم باز توزیع صحیح مالی آن در اجتماع به جوامع هدف و آسیب پذیر جامعه باعث ایجاد دولت رفاه[۹] و افزایش شاخص‌های رفاه عمومی جامعه می‌گردد. نظام مالیاتی در کنار اخذ مالیات برای اداره جامعه و تامین هزینه‌های عمومی کشور به دنبال ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی[۱۰] در جامعه می‌باشد. (برای ایجاد نظام مالیاتی عادلانه و منطبق با ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در هر کشوری می‌بایست در کنار علت و ریشه یابی عدم تعلق مالیاتی و مالیات گریزی[۱۱] تاریخی در ایران و نظام دوگانه مالیاتی (مذهبی و ملی)[۱۲] در کشور به دنبال علل رشد جوامع و دولت‌های پیشرفته مانند آمریکا که دارای تجربه موفق در این حوزه می‌باشد.) (رنگرز و خورشیدی، ۱۳۸۳: ۹۵) مطالعه تطبیقی[۱۳] و نهادینه کردن تجربیات حاصل

---

۱ Minerals
۲ revolution
۳ lorenz
۴ Distributive justice
۵ Social justice
۶ Tax compliance
۷ Gross domestic product = GDP
۸ Economy safe
۹ Welfare state
۱۰ Economy and social justice
۱۱ Tax evasion
۱۲ Religiouns & national
۱۳ Comparative study

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

از این مطالعات و تلفیق موارد حاصله با قوانین موجود و فرهنگ دینی کشور و دستاوردهای تحقیقاتی و پژوهشی کشور در این زمینه و همچنین اتصال دستگاه‌های اجرایی با دستگاه‌های تحقیقاتی و علمی مانند دانشگاه‌ها مطمئناً می‌توانند قدم‌های موثری در مشارکت هرچه بیشتر اقشار مختلف جامعه[۱] در پرداخت مالیات و فرهنگ مالیاتی بردارند.

مفهوم شناسی

مالیات برحسب تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی چنین است «پرداختی است الزامی و بلاعوض» مالیات ممکن است به شخص، موسسه، دارایی و غیره تعلق گیرد. چنین تعریفی پرداخت‌های تامین اجتماعی را نیز شامل می‌گردد. مالیات همچنین نوعی هزینه اجتماعی[۲] می‌باشد که عموم یک ملت به منظور بهره وری از امکانات و منابع کشور متبوع خود می‌بایست آن را تقبل نمایند تا توانایی جایگزینی این امکانات و منابع فراهم گردد. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد که به خزانه دولت‌ها واریز می‌شود. زیرا به واسطه آن می‌توان زمینه درآمد و سود را برای دولت‌ها ایجاد نمود. جبران هزینه‌های خدماتی که دولت‌ها به شهروندان ارائه می‌کنند از مسیر وضع مالیات بوده و این وضع قانون برای جبران هزینه‌های دولتی نمی‌باشد. زیرا از طریق وضع مالیات نقدینگی جامعه دچار تغییرات می‌گردد و نهایتاً منجر به توازن نسبی اقتصادی خواهد شد.

همانطور که اشاره شد مالیات مبالغی است که دولت‌ها براساس قانون از اشخاص (حقیقی و حقوقی) موسسات و شرکت‌ها برای تقویت عمومی حکومت و تامین مخارج عامه دریافت می‌دارند. در این تعریف علاوه بر ویژگی اجباری[۳] بودن ویژگی دیگری از مالیات بدین عنوان ارائه شده است که همانا داشتن ارتباط صحیح و متقابل و متناسبی بین میزان مالیات و پرداخت آن و ارزش خدمات عمومی ارائه شده به مالیات دهندگان وجود دارد. «ریکاردو»[۴] در تعریف مالیات می‌گوید: «آن بخشی از محصول یا نیروی کار یک کشور است که برای تامین هزینه‌های دولتی تخصیص[۵] می‌یابد» در حال حاضر مالیات بخشی از نیروی کار، زمین و سرمایه[۶] در دسترس افراد و بنگاه‌ها می‌باشد که دولت آن را دریافت می‌دارد. مالیات بخشی از درآمدهای جامعه بوده که به دولت منتقل می‌گردد و یا از جنبه دیگر قسمتی از سود حاصله از فعالیت‌های اقتصادی است که وارد خزانه می‌شود. با اقتباس از تعریف فوق می‌توان اشاره نمود که اجرای عادلانه مالیات ستانی، مشوقی برای پس انداز اجباری اقشار جامعه توسط دولت‌ها است. یعنی هزینه اجتماعی[۷] است که عموم مردم به واسطه نسبت استفاده از امکانات اجتماعی می‌بایستی آن را پرداخت نمایند. البته می‌بایست اشاره

۱ societ
۲ Social expense
۳ obligation
۴ Rikardo
۵ alocated
۶ wealth
۷ Social expense

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نمود که برخلاف دیگر واژه‌ها، در تعریف مالیات بین اندیشمندان اتفاق نظری وجود ندارد و هنوز هم تعریفی جامع که در بر گیرنده تمامی وجوه اساسی شامل ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دخیل در ساختار کلی مالیات باشد وجود ندارد. (منکیو، ۱۳۹۱: ۳۶)

همچنین دیگر پژوهشگران معتقدند که مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی اشخاص بوده که برای پرداخت مخارج عمومی و حفظ منابع اقتصادی و سیاسی کشور و براساس قانون توسط مراجع ذیصلاح[۱] دولتی دریافت می‌گردد. تعریف فوق بدین معناست که مالیات به عنوان یکی از اهرم‌های موثر سیاست‌های مالی دولت بوده و برای انجام وظایف تصریح شده در قانون اساسی کشور است.

مبانی نظری پژوهش

در خصوص مبحث مالیات باید گفت که «منتسکیو»[۲] مالیات را به عنوان سهمی می‌شمارد که هر فرد از دارایی خود پرداخت می‌کند تا الباقی دارایی وی توسط دولت محافظت شود و بتواند به نحوه دلخواه از آن استفاده نماید. منتسکیو می‌گوید: مالیات، قسمتی از مال هر فرد است که به دولت می‌دهد تا از بخش‌های دیگر دارایی خود اطمینان یابد و با آسودگی خاطر از آنها بهره‌مند گردد. مالیات، سهمی است که به موجب اصل تعاون ملی و بر وفق مقررات، هر یک از شهروندان، موظف است که از ثروت و درآمد خود، به منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی و اجتماعی کشور، به قدر و توانایی خود به دولت بدهد تا دولت در هر موردی که مصلحت بداند، مصرف کند. باید دانست که مهم در تعریف مالیات، قدرت دولت (بدون لحاظ مشروعیت آن) در وضع قانونی است که به موجب آن، مردم را ملزم به پرداخت مالیات می‌کند. بر همین اساس، می‌توان گفت بهترین تعریف مالیات، تعریف دوم است. همچنین منتسکیو در حالت کلی تعریف مالیات را چنین بیان نموده است: مالیات قسمتی از دارایی است که شخص برای امنیت بقیه دارایی خود یا برای اینکه بتواند از بقیه دارایی با آسایش بهره مند شود پرداخت می‌کند. همچنین از نظر «جان مینارد کینز»[۳] عملکرد اقتصاد کلان با سه سنجه کلی میزان تورم، اندازه رشد بازداده، و میزان بیکاری، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. وقتی تولید کالای سرمایه‌ای توسط صنایع سریع‌تر از تولید کالای مصرفی رشد کند چرخه اقتصادی رو به نزول می‌گذارد و کارگران بیکار می‌شوند و سطح مصرف پایین می‌آید به همین خاطر «منحنی فیلیپس»[۴] رابطه منفی میان میزان تورم و میزان بیکاری را نشان می‌دهد به سخن دیگر منظور از منحنی فیلیپس، رابطه میان تورم – بیکاری است (منکیوو ، ۱۳۹۱: ۵۷).

---

۱ authorities

۲- Montesqio

۳John Maynard Keynes

۴ Phillips curve

در علم‌اقتصاد نشان‌دهنده ارتباط میان نرخ تورم و نرخ بیکاری است. این منحنی بیان می‌کند که نرخ بالای اشتغال با نرخ بالای تورم رابطه معکوس دارد. به این معنا که در کوتاه مدت برای کاهش نرخ بیکاری می‌بایست نرخ بالاتر تورم را بپذیریم. در حالی که در سال ۱۹۶۸ میلتون فریدمن نشان داد که این رابطه برای بلند مدت صحیح نیست. منحنی فیلیپس یک مدل تجربی تک معادله‌ای است، که پس از توصیف رابطه معکوس تاریخی بین نرخ‌های بیکاری و نرخ‌های

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به نظر جورج «مالیات واحد»[۱]، عبارتی است که می‌توان پس از انتشار کتاب ترقّی و تنگدستی به کار برد، لذا این نظریه، می‌تواند همهٔ مخارج دولت را پاسخگو باشد. این پیشنهاد او در سطح وسیعی باعث سوء تفاهم شد، زیرا عدهٔ زیادی گمان کردند که او مدافع ملی کردن زمین است. در واقع، جورج تنها پیشنهاد کرده بود که اجارهٔ خالص حاصل از زمین مشمول مالیات شود و بخشی که صرف بهبود و اصلاح زمین می‌شود از مالیات معاف باشد. به‌طور خلاصه، نظام مالیات واحد او برای کاهش قیمت زمین تا حد صفر طراحی شده بود و به اعیانی اجاره‌پذیر روی زمین اساساً نپرداخته بود و همهٔ املاک را صرف‌نظر از موقعیت‌شان در پایهٔ مالیاتی مشترکی قرار می‌داد(هانیس، ۲۰۰۹: ۱۶۴).

همهٔ اقتصاددانانی که در شروع قرن بیستم زندگی می‌کردند از جمله مارشال، فرانسیس والکر، اسلیگمان و الی بر افکار جورج انتقاد فراوان کرده‌اند که همهٔ آن منصفانه نبوده است. لیکن، سبک متنوع هنری جورج، مخلوط کردن اقتصاد اثباتی و دستور و سوء برداشت‌هایی که جورج از برخی مفاهیم فنی اقتصادی داشت، باعث شده بود که اقتصاددانان دیگر در مورد او قضاوت منصفانه‌ای نداشته باشند. همچنین توجهی که عموم مردم به هنری جورج داشتند، باعث شده بود که اقتصاددانان حرفه‌ای او را طرد کنند. لذا، «میلتون فریدمن»[۲] در سال ۱۹۷۸ گفته است: «به عقیدهٔ من مالیاتی که کمتر از بقیه زبان دارد، همان مالیات بر ارزش املاک اصلاح نشده است که هنری جورج سال‌ها قبل پیشنهاد کرده است.

اهمیت و اهداف مالیات

به منظور رشد و پیشرفت و نهایتاً توسعه پایدار[۳] کشور ضروری است دولت‌ها هزینه‌های جاری خود را از محل پرداخت مالیات تأمین نموده و به نسبت بسیار کمتر نسبت به منبع درآمدهای معدنی، بالاخص نفت و گاز تکیه کنند. مالیات ابزار سیاست مالی که تسریع بخش رو به رشد اقتصادی، دولتی و کشور و همچنین باثبات‌ترین[۴] و یکی از عمده‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد(ویژه، ۱۳۹۳: ۲۴۹). لذا می‌توان گفت که اولین هدف از وضع مالیات تأمین هزینه‌های مالی دولت‌ها می‌باشد. همچنین می‌توان به وضع مالیات با هدف اعمال نوعی سیاست توزیع مجدد درآمدی جامعه اشاره نمود. زیرا می‌توان از طریق اخذ مالیات از صاحبان درآمدهای بالا جهت کاهش درآمد این افراد و به نسبت آن برای افزایش سطح درآمد افراد با درآمد پایین در جامعه و کاهش فاصله طبقاتی اقدام نمود. علاوه بر اهداف فوق الذکر می‌توان از ابزار مالیات برای تثبیت سیاست‌های اقتصادی در

متناسب با تورم در اقتصاد توسط ای. دبلیو فیلیپس نامگذاری شد. به بیان ساده، کاهش بیکاری (یعنی، افزایش میزان اشتغال) در یک اقتصاد با نرخ‌های بالاتر تورم همبستگی خواهد داشت.

۱ Single tax

۲ Milton Friedman

۳ Sustainable development

۴ Most stable

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بحران‌های مالی رکود[1] و یا تورم[2] در جامعه استفاده نمود. همچنین با تغییرات تعرفه‌های مالیاتی[3] همچنین این امکان فراهم می‌آید تا بتوان علاوه بر اصلاح وضعیت واردات[4] و ایجاد توازن آن با صادرات کشور در جهت بهبود روابط کشور در اقتصاد بین‌الملل عمل نمود. از منظر دیگر، اخذ مالیات می‌تواند ابزاری مفید برای کنترل مصرف برخی کالاها مانند مواد دخانی، مشروبات الکلی و لوازم آرایشی و بهداشتی غیراستاندارد باشد(هاروی، 1379: ۳۲).

مقررات حقوقی مالیات‌ها

هدف از وضع مقررات حقوقی در مالیات‌ها تنظیم روابط مودیان مالیاتی و مالیات‌گیران یا همان دولت می‌باشد. بر پایه تعریف فوق حقوق مالیاتی زیرمجموعه حقوق عمومی تعریف می‌گردد. زیرا اخذ مالیات می‌تواند به عنوان یکی از اساسی‌ترین مظاهر حق حاکمیت تلقی گردد. مطابق اکثر قوانین اساسی نوشته شده، حدود اعمال حق حاکمیت دولت‌ها مشخص می‌باشد و بر این اساس موضوع فوق جزو لاینفک حقوق اساسی برشمرده می‌گردد. برای اخذ مالیات اختیارات خاصی به عنوان اقتدار حکومتی برای دولت‌ها در نظر گرفته شده و بر این اساس میزان و انواع مالیات‌ها و روش‌های وصول آن به عهده دولت‌ها بوده و در صورت عدم تمکین مالیات دهندگان روش‌های استفاده از قوه قهریه نیز مشخص شده و این اجازه به دولت‌ها داده شده که در زمینه‌های اختلافی با رعایت مقررات خاص اقدام به رفع اختلاف با مودیان نمایند(یزدانی زنوز، ۱۳۹۳: ۲۷).

مقایسه نظام حقوقی ایران و آمریکا در حوزه مالیات

به جهت ادراک بهتر و توسعه‌یافته‌تر در خصوص بررسی مقایسه‌ای نظام حاکم بر قواعد و قوانین مالیاتی ایران و ایالات متحده آمریکا، نیاز هست تا ابتدا این موضوع از گزاره‌های حقوق دو کشور طرح و بررسی گردد.

- نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی ایران در سیر تاریخی خود تحولات شکلی و محتوایی بسیاری به خود دیده است که همپای تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انجام گرفته است. این تحولات را می‌توان به چند دوره تقسیم نمود. همچنین با توجه به حجم صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مبادلات بازرگانی، اقتصاد ایالات متحده آمریکا در یک قرن اخیر به عنوان اقتصادی پویا و پیشرو و موتور محرکه اقتصاد جهانی مطرح می‌باشد. از حیث ماهوی، در دوره مشروطه به رغم تاکید اصل دوم متمم قانون اساسی بر لزوم مخالفت نداشتن قوانین با احکام اسلام حرکت به سوی عرفی (سکولار) شدن حقوق و فاصله گرفتن شتاب گرفت و همچنین مقررات امور مالی و قراردادها نیز با

۱Vecession

۲ Inflation

۳ Tax rate

۴ importion

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

برخی از اصول حقوق اروپایی سازگار گردید. سیر عرفی شدن قوانین و فاصله گرفتن آن از شرع و حتی تقابل با آن تا ۱۳۵۷ خورشیدی ادامه یافت.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران مهمترین تحول بنیادین در نظام حقوقی ایران به لحاظ ماهوی و محتوایی بازگشت به فقه و قواعد شریعت می‌باشد. در این تحول فقه و قواعد شریعت مبنای قانون یا دست‌کم معیار مشروعیت آن در هنگام وضع قوانین، مرجع تفسیر و تشریح قوانین در هنگام اجرا و نیز منبع تکمیلی در موارد خلأ قانونی قرار گرفت منبع مادی حقوقی کنونی ایران شریعت اسلامی می‌باشد و لیکن نظام حقوق ایران از نظر شکلی با حقوق نوشته و خانواده حقوقی رومی- ژرمنی شباهت فراوانی دارد و نخستین منبع اصلی آن قانون می‌باشد(طاهری تاری،۲۵:۱۳۹۳).

شریعت و فقه اسلام، عرف، رویه قضایی و دکترین دیگر منابع حقوقی ایران هستند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران قوانین به مفهوم عام آن به ترتیب اهمیت به قرار ذیل می‌باشند. قانون اساسی که چارچوب کلی نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را معین می‌کند. قوانین عادی (مصوبه مجلس) که اصلی ترین و رایج‌ترین مصداق قانون بوده و به تاسیسی و امضایی و تفسیری تقسیم می‌گردند.

قوانین غیرپارلمانی: مانند تصویب نامه‌ها، آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های قوه مجریه و نهادهای خاص و همچنین شکل دیگر قوانین به مانند فرامین مقام معظم رهبری، مصوبات قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوانین ناشی از همه‌پرسی می‌باشد.

شکل‌گیری اقتصادی ایران در یکصد ساله اخیر برگرفته از وجود طلای سیاه بوده است و به واسطه این امر و با توجه به نوع حکومت‌ها و شرایط حقوقی و سیاسی حاکم برجامعه، شکل گیری نظام اقتصادی در حکومت‌های سده اخیر متفاوت بوده است. فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی ۱۳ اصل به طراحی اصول کلی اقتصادی جامعه می‌پردازد. با توجه به انگیزه‌های وقوع انقلاب اسلامی که به دلیل ماهیت ضداستعماری انقلاب و اندیشه مبارزه با استثمار و استعمار و احقاق حق مستضعفین و برقراری عدالت بوده است، در این فضا ایجاد نگرش منفی نسبت به سرمایه‌داری، پدیده غالب زمان ابتدای انقلاب و شکل گیری قانون اساسی و دولتی شدن هرچه بیشتر شدن فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد (سورونی، ۱۳۸۲: ۲۰۳).

- نظام حقوقی آمریکا

نظام اقتصادی آمریکا با توجه به پیشینه تاریخی آن شکل گرفته است. با عنایت به این سابقه در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی اقتصاد آمریکا بر پایه اقتصاد کشاورزی و در قرون ۱۹ و ابتدای قرن بیستم بر محور صنعت استوار بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم به این سو، اقتصاد آمریکا با محوریت صنعت و خدمات تاثیرات بیشتری در اقتصاد جهانی داشته است. همانطور که در فصول پیشین اشاره شد مهمترین بحران اقتصادی تاریخ آمریکا در دهه قرن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بیستم بوده و با افت شدید بازار بورس همراه بوده است. رکود رو به افزایش در این زمان (۱۹۲۹م) به ورشکستگی غالب کارخانجات و شرکت‌های مختلف و بیکاری میلیون‌ها نفر منجر شد.

اگر به صورت گذرا به علت اصلی خود این واقعه اشاره کنیم، نبود هماهنگی بین تولیدات آمریکایی و تقاضای جهانی برای این تولیدات را می‌توان نام برد. همچنین عملکرد فدرال رزرو (بانک مرکزی) آمریکا برای اتخاذ سیاست انقباضی در زمانی که اقتصاد آمریکا در رکود بسر می‌برد از دیگر علل این بحران بوده است. (فدرال رزرو بدون توجه به رکود موجود، به دنبال اتخاذ سیاست انقباض اقتصادی و مبارزه با تورم بود). دومین بحران مالی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۲م به وجود آمد. مشخصه اصلی این بحران اقتصادی، کاهش میزان نقدینگی در نظام بانکی و اعتباری بوده که ابتداً با انفجار حباب در بازار مسکن آمریکا آغاز گردید که نهایتاً منجر به بدهکاری افراد زیادی به نظام بانکی و مصادره شدن وثیقه‌ها و یا مسکن‌های ایشان گردید(براون،۲۰۰۳:۶۸).

بحران یاد شده در حوزه مسکن در آمریکا با توجه به حجم اقتصاد آمریکا برابر مجموع اقتصاد اتحادیه اروپا به علاوه ژاپن در آن زمان بوده که در یک قرن گذشته به عنوان الگو و شاخص اقتصاد جهان سرمایه‌داری بوده منجر به بحران اقتصادی در آمریکا و در نتیجه اقتصاد جهانی شد.

بحران مذکور منجر به افت رشد اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا گردید و در نهایت کاهش سطح تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی و کاهش تقاضا برای نفت خام و افت قیمت نفت گردید که تاثیرات عمیق آن در اقتصاد ایران که به صورت مستقیم هیچ‌گونه علقه و ارتباطی با آمریکا نداشته نیز ملموس بوده است. مرکزیت دلار بعنوان ارز ذخیره جهانی این امتیاز چشم گیر را به اقتصاد آمریکا داده است که ضمن داشتن کسری تراز پرداخت‌های هنگفت، می‌تواند هزینه و سرمایه معرفی جامعه آمریکا را فراتر از تولید داخلی تأمین کرده و سرمایه گذاری هایی نیز که بسیار فراتر از اندوخته‌های داخلی آن کشور است انجام دهد.

این امر بواسطه علاقمندی دیگر کشورها برای تبدیل دارایی‌های خود به دلار است. همین امر تقویت کننده این موضوع است که آمریکا در دهه‌های گذشته بصورت غیر مستقیم و با چاپ دلار از تمامی کشورهای جهان مالیات اخذ نموده است. مطابق آمارهای موجود از لحاظ سرانه تولید ناخالص داخلی نیز اقتصاد آمریکا در رده‌های بالای جهانی قرار دارد. همچنین از لحاظ صادرات در رده سوم جهانی پس از آلمان و چین و از لحاظ واردات و بدهی خارجی مقام اول جهان را در اختیار دارد. سیاست اقتصادی حکومت آمریکا، توسط وزارت خزانه داری شورای مشاورین اقتصادی، اداره مدیریت بودجه وزارت بازرگانی تدوین می‌گردد. در شعبه داخلی هدف سیاستهای اقتصادی حکومت آمریکا، حفظ و ارتقاء نرخ رشد اقتصادی سالیانه و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی است. در بعد خارجی نیز اولویت حکومت آمریکا، حفظ برتری اقتصادی این کشور در صحنه جهانی است که برای تحقق این امر حتی می‌توان به علل ایجاد بعضی مخاصمات مقطعی یا جنگ‌های منطقه ای که برای درگیر کردن کشورهای اروپایی، روسیه، هند و چین و خاورمیانه در صنعت میلیتاریسم (نظامی گیری، ساخت و فروش اسلحه) و. کاهش رشد اقتصادی این کشورها اشاره نموده زیرا رشد اقتصادی این کشور ها به معنای داشتن سهم بیشتر و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

بالاتر از اقتصاد جهانی بوده که این سهم بیشتر از نقش و سهم آمریکا از اقتصاد جهانی می‌کاهد. با توجه به حجم اقتصاد آمریکا و میزان صادرات و واردات آن کشور و تنوع موجود در تولیدات و صنایع این کشور و همچنین سلایق متفاوت مصرف مردم این کشور از حوزه‌های مختلف یاد شده، دولت ایالات متحده برای قانون درآمدهایی به قرار ذیل دارد:

ـ مالیات که انواع متفاوت از عناصر (مالیات بردارایی، ارث، حقوق، فروش، سرمایه، واردات، صادرات، هدایا، املاک) و مؤثر در درآمدهای نظام اقتصادی آمریکا است(ماهیر،۲۰۰۵:۶۳).

ـ کشاورزی: بواسطه تولیدات کشاورزی و دامپروری متنوع، آمریکا از پیشرفته ترین کشورها در این حوزه است. طوری که بزرگترین کشور تولید کننده پنبه، توتون، میوه، گوشت، پنیر و گندم در جهان می‌باشد و ۰/۶٪ نیروی کار آمریکا در این حوزه فعال می‌باشند.

ـ صنعت : با توجه به انقلاب صنعتی دوم آمریکا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م، شاهد حضور ۲۴ درصدی نیروی کار در بخش صنعت و سهم ۲۰ درصدی صنعت و تولید ناخالص داخلی آمریکا که متمرکز در تولید فولاد، انواع موتورهای مختلف، نفت خام، تجهیزات هوا فضا و ارتباطی، حوزه‌های تکنولوژیکی دیجیتال و الکترونیکی و ارتباطی و نظامی بعنوان یکه تاز صنعت جهان محسوب شده که درآمد سرشاری برای دولت آمریکا به ارمغان می‌آورد. (دیویس و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲)

ـ خدمات : با توجه به افزایش مستمر نقش خدمات در اقتصاد آمریکا در دهه‌های گذشته در حال حاضر سهم خدمات که شامل حوزه‌های جدیدتری مانند اطلاع رسانی، داده پردازی، برنامه ریزی رایانه ای و گردشگری است در تولید ناخالص داخلی آن کشور حدود ۷۵ درصد است.

- صادرات : قریب به ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا را صادرات تشکیل میدهد، ۳۹ درصد از صادرات مربوط به کالاهای سرمایه ای، ترانزیستورها، هواپیما، وسایل نقلیه، کامپیوتر، تجهیزات ارتباطی و ۲۸ درصد تجهیزات صنعتی و ۱۲ درصد کالاهای مصرفی است.

مقایسه مالیات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آمریکا

- مالیات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اولین قوانین مربوط به مالیات به صورت مدون و سراسری در سال ۱۲۹۴ هجری خورشیدی در ایران کلید خورد که مربوط به درآمد مستغلات تابع قانون مستغلات که به بدین ترتیب بوده است که املاک و مستغلات اعم از اینکه به اجاره واگذار شده یا مورد استفاده شخصی مالک بوده، می‌بایستی مالیات پرداخت می‌نمود. در ادامه در سال ۱۳۰۹ هجری خورشیدی قانون مالیات بر شرکت‌ها و تجارت وضع گردید، قوانین مصوبه بعدی در سال‌های ۱۳۱۲،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱۳۲۲ (توسط دکتر میلسپوه[۱])، ۱۳۲۳، ۱۳۲۸ و... تصویب شد. قانون جامع مالیات‌ها در سال ۱۳۴۵ هجری خورشیدی تصویب گردید که این قانون نیز به علت وجود اشکالات متعدد در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۷۱ هجری خورشیدی بازنگری شده و با این وجود علیرغم اصلاحات به عمل آمده، قانون مذکور نتوانست از نابسامانی نظام مالیاتی بکاهد. (دیرباز، ۱۳۸۰: ۱۵۲) نهایتاً در سال ۱۳۷۹ هجری خورشیدی اصلاحیه جدید قانون مالیات‌های مستقیم به تصویب رسید. لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم در هشتم بهمن ۱۳۹۲ هجری خورشیدی با تغییرات و تقسیم‌بندی‌های زیر:

الف) تعدیل نرخ‌های مالیاتی

ب) رفع تبعیض‌های مالیاتی

ج) اصلاح سازمان وصول و تشخیص مالیاتی

د) روش‌های تشخیص و وصول مالیات

مطابق اصول پذیرفته شده جهانی و اصل عدالت مالیاتی و براساس خوداظهاری و اعتماد به افراد و استناد به حسابرسان خبره و متعهد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

- مالیات در قانون اساسی آمریکا

با توجه به مطالب اشاره شده در مورد چگونگی شکل گیری آمریکا و ساختار حقوقی ایالات متحده، قانون جاری مالیات بردرآمد از ژآنویه ۱۸۶۲ م در این کشور به اجرا درآمده که به موجب آن میزان مالیات‌ها برحسب درآمد خانواده تصاعدی می‌باشد. ایالات متحده جمهوری فدرال با حکومت خودگران و دولت‌های محلی است وضع مالیات در آن کشور در هر یک از این سطوح صورت می‌گیرد همانطور که قبلاً اشاره شد مهمترین مالیاتها، مالیات بردرآمد، دارایی، فروش، واردات، املاک، هدایا، و حق الزحمه ها و ارزش افزوده مختلف می‌باشد. انواع مالیاتهای وضع شده در هر سطح بدلیل محکومیت‌های قانون اساسی متفاوت است. مالیات بردرآمد و تعرفه‌های گمرکی در سطح فدرال و ایالتی و مالیات بر دارایی، مالیات بر فروش، مالیات بر مصرف عمدتاً در سطح ایالتی و محلی تعیین می‌شود. مالیات بردرآمد خالص افراد و شرکتها توسط دولت فدرال، ایالتی و برخی دولتهای محلی وضع می‌گردد. موضوع درآمدی که مالیات برآن وضع می‌گردد توسط قوانین مالیاتی و نه صرفاً اصول حسابداری تعیین می‌شود و تمامی درآمدها را شامل می‌گردد.

کانال‌های اصلی مالیات بردرآمد در برگیرنده انواع زیر می‌باشد:

ـ کارمندان مالیات ماهیانه از درآمد شان کسر می‌شود.

۱- Milespogh

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

ـ افراد دارای شغل آزاد پرداخت سه ماهه مالیات تخمینی دارند.

ـ افراد بیکار که دارای درآمد کافی برای پرداخت مالیات هستند، مطابق قانون، این پرداخت نیز سه ماهه انجام می‌گیرد. مالیات حداقلی جایگزین، برای مودیانی که اقدام به کاهش سطح مالیاتی می‌کنند که بر مبنای قابل تخمین پرداخت می‌گردد. نرخ مالیات بردرآمد فدرال در ایالات متحده از ۱۵ تا ۳۵ درصد متغیر می‌باشد که این تغییر در نرخ ها براساس قانون در ایالتهای مختلف، متفاوت است. مالیات بر حقوق و دستمزد در سطح فدرال و ایالتی وضع شده و در بر گیرنده امنیت اجتماعی، مالیات بیکاری و مالیات مراقبت‌های پزشکی می‌باشد که بر کارگر و کارفرما با نرخ ترکیبی مطابق قانون وضع می‌شود. مالیات امنیت اجتماعی در صورتیکه میزان دستمزد بعنوان مثال از ۱۰۶۸۰ دلار بیشتر شود از افراد اخذ می‌گردد. مالیات یاد شده بعنوان درصدی از حقوق، حقوق مشمول مالیات وضع می‌گردد. مالیات بر دارایی براساس ارزش بازاری دارایی، توسط دولت فدرال و ایالتی براساس دارایی‌های تجاری و املاک افراد تعیین می‌گردد. با توجه به مطالب فوق و حجم اقتصاد آمریکا بعد از جنگ جهانی شاهد آن می‌باشیم که واحد پولی آمریکا (دلار) به واسطه عوامل نه تنها اقتصادی بلکه سیاسی و ایدئولوژیکی به عنوان واحد پولی رایج و مبادلاتی در اقتصاد جهانی تبدیل گردید.

نرخ مالیات بر دارایی اشاره شده بسیار گسترده و متفاوت می‌باشد. مالیات بر فروش و مصرف، بر قیمت خرده فروشی بسیاری از اجناس و خدمات به واسطه دولت‌های ایالتی به صورتی متفاوت از ۱ تا ۱۶ درصد و براساس نوع کالا و خدمات تعیین می‌گردد. مطابق قانون مهم‌ترین بخش درآمد دولت مرکزی و ایالت‌ها از مالیات بر درآمد اشخاص تأمین می‌گردد. به طوریکه هر فرد که لااقل بالغ بر ۲۴۰۰ دلار در سال درآمد کسب نماید می‌بایست اظهارنامه مالیاتی را در مهلت قانونی تا ۱۵ آوریل سال بعد تکمیل و ارائه نماید این اظهارنامه نه از طریق سنتی بلکه از راه اینترنتی و پست امکان‌پذیر است. نکته جالب در این امر عدم تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات بر درآمد توسط اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول مالیات، برابر قانون منجر به جریمه‌های سنگین نقدی و حتی مجازات زندان می‌گردد. (راولز، ۱۹۷۱: ۶۵-۶۰.)

✓ درآمد عادی

براساس مطلب ذکر شده درآمد افراد حقیقی که در طی یک سال تحصیل می‌کنند تا سقف ۲۴۰۰ دلار از مالیات معاف و سپس ضرایب مالیاتی از ۱۵درصد شروع و تا ۴۰درصد ادامه می‌یابد. اضافه بر سقف ۲۴۰۰ دلار معافیت مالیاتی یاد شده براساس قانون شخص مودی و هر یک از افراد تحت تکفل وی، دارای یک معافیت هزار دلاری می‌باشند، اگر فردی از افراد تحت تکفل دارای معلولیت شدید جسمی باشند یک معافیت هزار دلاری دیگر نیز به آن اضافه می‌شود. نقطه اثر معافیت‌ها در زمان تسلیم اظهارنامه در زمان پرداخت می‌باشد. در نظام مالیاتی آمریکا با توجه بر معافیت‌های قائل شده، بیشتر افرادی که دارای درآمدهستند در پایان سال مالیاتی از دولت طلبکار بوده و برای گرفتن این طلب می‌بایست اظهارنامه مالیاتی را در زمان مقرر به‌طور کامل ارائه نماید. رعایت شیوه فوق سبب ایجاد فرهنگی فراگیر در ایالات متحده در زمینه پرداخت مالیات گردیده و براساس این فرهنگ هر گونه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پرداخت به‌عنوان حقوق و دستمزد لازمه رعایت درج کد مالیاتی و کسر مالیات به طور عادلانه و صحیح و به موقع نسبت به خالصی درآمد افراد می‌باشد. در مورد شرکت‌ها ضریب مالیاتی براساس سود مشمول مالیات بین ۱۵ تا ۳۰درصد تعیین شده است.

✓ درآمد سرمایه‌ای

این نوع درآمد سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها بلندمدت افراد و سازمان‌ها می‌باشد در مورد درآمد سرمایه‌ای، دو ضریب متفاوت مالیاتی بر درآمد افراد یا مؤسسات اعمال می‌گردد. ضریب اول مالیات دولت مرکزی و دومی از طرف هر ایالت که در آن درآمد بوجود آمده معین شده و اعمال می‌گردد. نکته جالب توجه مالیات مورد مطالبه دولت مرکزی معمولاً بین ۶ تا ۷ برابر مالیات مورد مطالبه ایالت‌ها است.

✓ مالیات بر مصرف و فروش

این نوع مالیات از جانب ایالت‌ها تدوین و اعمال می‌گردد. برخلاف نام آن که مالیات بر فروش است این مالیات به طور مستقیم از خریدار دریافت می‌شود. دامنه نرخ این مالیات بین ۵ تا ۸درصد و بین ایالت‌ها متفاوت است.

مالیات یاد شده منبع اصلی درآمد دولت‌های ایالتی بوده و به طور عمده برای هزینه‌های ایالتی مانند آموزش، پلیس، خدمات شهری، آتش‌نشانی و ... مصرف می‌شود. قانونگذار برای رعایت عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و جلوگیری از صدمات اجتماعی و سوءتغذیه، مواد غذایی را از مالیات بر مصرف معاف نموده است.

✓ مالیات بر املاک

این نوع مالیات از طرف دولت‌های ایالتی وضع می‌گردد و بین اتمام درصد قیمت روز املاک با توجه به آخرین معاملات انجام گرفته و تغییرات شاخص قیمت املاک منطقه‌ای، قانوناً وضع و به صورت مالیات سالیانه در دو قسط شش ماهه وصول می‌گردد. با توجه به مبحث اقتصاد آمریکا که ذکر شد و بحران اقتصادی دهه گذشته در آمریکا در صورت عدم پرداخت مالیات، تمامی ملک از جانب دولت برای وصول مالیات به حراج گذاشته می‌شود. در پایان این مبحث قابل ذکر است که مطابق قوانین ایالات متحده و در راستای اجرای عدالت در جامعه بویژه عدالت مالیاتی چیزی به نام تسامح و تساهل در اجرای قوانین وجود ندارد.

مقایسه مالیات بر ارزش افزوده در قوانین ایران و آمریکا

- مالیات بر ارزش افزوده در قوانین ایران

به دنبال اجرای سیستم مالیات بر ارزش افزوده، در ایران نیز در سال ۱۳۸۷ این قانون به صورت آزمایشی به مدت ۵ سال به اجرا درآمد. مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات بر فروش چندمرحله‌ای است که در دوره‌های مختلف تولید، واردات و توزیع براساس درصدی از ارزش کالاها و خدمات ارائه شده در هر مرحله اخذ می‌گردد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

از دیدگاه تئوریک محاسبه پایه مالیات بر ارزش افزوده در سطح کلان اقتصاد شامل سه مورد تولید، درآمد و مصرف می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷).مالیات بر ارزش افزوده در قوانین جمهوری اسلامی ایران شامل کالاها و خدمات می‌گردد. مطابق ماده یک قانون مالیات بر ارزش افزوده، عرضه کالاها و ارائه خدمات در داخل کشور همچنین واردات و صادرات آنها مشمول اخذ مالیات می‌شود. براساس ماده ۱۳ قانون فوق که ناظر بر اعمال نرخ صفر بر صادرات است، ماهیت اصل مقصد بودن، نظام مالیاتی را منعکس می‌کند. برای دامنه شمول این قانون بر کالاها و خدمات همچنین ماهیت نظام مالیات بر ارزش افزوده در اکثر کشورها که این قانون در آنها اجرا می‌گردد، حاکی از تشابه شکلی آن با قوانین ارزش افزوده در ایران است.

با توجه به تعریف عدالت در جوامع و نقش قانون‌گذاران برای اجرای این اصل بنیادین برای حمایت از اقشار ضعیف و برخی اصناف و همچنین رواج یا محدود نمودن مصرف برخی کالاهای خاص مقننین حوزه مالیاتی، اصول مربوط به معافیت و خدمات را در قوانین پیش‌بینی می‌کنند.

مطابق ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده در ایران، این معافیت‌ها ذکر شده‌اند که به برخی از موارد مهم آن اشاره می‌شود.

ـ معافیت برخی مواد خوراکی و یا محصولات کشاورزی

ـ خدمات درمانی و توانبخشی و حمایتی

ـ داروها و مواد مصرفی درمانی

ـ خدمات حمل و نقل عمومی

ـ برخی کالاهای خاص بومی

ـ اموال غیرمنقول

ـ خدمات آموزشی و پژوهشی و بانکی[1]

البته نوع معافیت‌ها در قوانین هر کشوری بستگی به ساختار کلی اقتصاد و همچنین تنوع محصولات تولیدی و یا معرفی آن کشور دارد.

به عنوان مثال یکی از موارد اختلافی بین ایران و دیگر کشورها در معافیت مالیاتی، معافیت خدمات بیمه‌ای می‌باشد که برعکس قوانین ایران در اکثر کشورها پذیرفته شده است. مطابق ماده هشتم مالیات بر ارزش افزوده در ایران، تمام اشخاصی که در عرضه کالا و ارائه خدمات و واردات و صادرات مشغول فعالیت هستند به عنوان مودی شناخته می‌شوند و این افراد به صورت اختیاری و یا اجباری در سامانه مالیاتی ثبت نام می‌گردند که با توجه به الزامات و

۱ - قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقررات خاص مالیاتی ملزم به ثبت نام در سیستم و انجام تکالیفی مانند وصول مالیاتی، تکمیل و ارسال اظهارنامه و پرداخت مالیات در موعد مقرر می‌باشند. مطابق ماده ۱۰ همین قانون، دوره‌های مالیاتی در ایران به صورت یک ساله شمسی به چهار دوره سه ماهه تقسیم شده است. در ایران ملاک ثبت نام فعالان اقتصادی علاوه بر آستانه گردش مالی، نوع فعالیت آنان بوده و مالیات بر ارزش افزوده از نوع مصرفی و مبتنی بر اصل مقصد می‌باشد.

همان‌گونه که اشاره شد تعیین سطح آستانه گردش مالی که در ایران لحاظ می‌شود برای تمامی فعالان اقتصادی به صورت یکسان تعیین می‌گردد. چنانچه یک فعال اقتصادی براساس معیارهای نوع فعالیت و سطح گردش مالی واجد شرایط ثبت‌نام باشد مکلف به انجام سایر تکالیف نیز خواهد بود. در حالی که در برخی کشورهای دیگر اینگونه نیست. همچنین شایان ذکر می‌باشد که مسئله تساوی افراد در مقابل مالیات که در علم مالیه پیچیدگی‌های دایمی ایجاد مینماید از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و نیز از منظر قضایی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. انتظاری که از آن می‌رود بر حسب مسائل فوق قضاوت مناقشه‌آمیز می‌باشد بدین عنوان که تساوی در مقابل مالیات پرداخت مالیات با ملاحظه تمامی جهات مشکل‌زا بوده همانگونه که اجماع بر روی تعریف واحد که دربرگیرنده ملاحظات سیاسی، اقتصادی، حقوق و اجتماعی باشد، مشکل است. با این وجود و براساس اصول یک نظام مالیات‌ستانی عادلانه، تساوی افراد در مقابل مالیات‌گیری مبنا می‌باشد. اصل فوق تقریباً در قوانین کلیه کشورها درج گردیده است و مانند قوانین جمهوری اسلامی ایران که در ادامه مفصلاً اشاره می‌گردد در ممالکی که ذیل نظام حقوقی کامن لو قرار می‌گیرند و به عبارتی قانون اساسی مفصل و مدونی ندارند اصل برابری مورد قبول عامه مردم و قانونگذاران می‌باشد.

اصل مزبور در قانون اساسی ایران تحت اصل ۹۷ متمم قانون اساسی و با تعریف «در موارد مالیاتی هیچ تفاوتی و امتیازی فی‌مابین افراد ملت نخواهد بود» مورد تأکید قرار گرفته بود. طبق اصل برابری، بایستی قوانین مالیاتی به گونه‌ای تنظیم گردند که به وسیله آنها اصل مزبور رعایت و در نهایت اجرا گردد و این همان چیزی است که تحت عنوان عدالت مالیاتی مورد بررسی این پژوهش می‌باشد. در ادامه قابل اشاره می‌باشد که منظور از تساوی افراد در مقابل مالیات فقط تساوی عددی نیست که بیانگر پرداخت به یک میزان و با یک تناسب ـ مانند پرداخت یارانه به هر فرد ایرانی مالیات باشد بلکه منظور از تساوی مالیاتی، متناسب بودن میزان مالیات با توان پرداخت مالیات می‌باشد که تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی مورد تأکید علم مالیه عمومی در این جا مورد تأکید می‌باشد. البته در این مبحث می‌توان به اصل قدرت پرداخت بیشتر و تناسب توانمندی افراد و میزان ثروتمندی و درآمد که مورد تأکید علم مالیه می‌باشد که بایستی ملاک تشخیص مالیات نیز باشد و میزان دسترسی و نفع افراد به خدمات و دستگاه حکومتی نبایستی تأثیرگذار باشد اشاره کرد. بنابراین به موجب این اصل تمام افراد کشور باید براساس توانایی خود در تأمین هزینه خدمات عمومیکمک نمایند. به عبارتی بدون توجه به حدود استفاده از خدمات عمومی تعیین مالیات و فشار حقیقی مالیات‌ها باید براساس قدرت پرداخت و توانایی افراد قرار گیرد.

در استفاده از این اصل دو موضوع ذیل مورد توجه می‌باشد:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۱. انتخاب مأخذ مالیات که باید نماینده قدرت واقعی مالیات‌دهندگان باشد.

۲. استفاده از نرخ‌هایی که فشار مالیات را در طبقات مختلف اجتماع متعادل سازد.

البته با نگاهی به قوانین فعلی مالیاتی می‌توان اشاره نمود پایه سیستم مالیاتی حال حاضر براساس سیستم مالیاتی تصاعدی ـ نرخ تصاعدی ـ قرار دارد.

همچنین با توجه به اصل عمومی بودن مالیات که به اصل تساوی افراد در برابر قانون اشاره دارد، همه افراد فارغ از شأن و مقام اجتماعی در برابر قانون مالیات‌ها یکسان هستند و این قانون به تساوی بین آنها اجرا می‌گردد. اصل فوق که پایه عدالت مالیاتی می‌باشد به تناسب مالیات مورد مطالبه به درآمد افراد و میزان توان اقتصادی آنها اشاره می‌نماید. اصول فوق‌الذکر بر پایه اصل قانونی بودن مالیات و اصل معافیت مالیاتی مورد تأکید اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. اصل مذکور قور می‌دارد: هیچ نوع مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون و موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی نیز به موجب قانون مشخص می‌گردد. و اصل عمومی بودن مالیات نیز بر پایه تعاریف اخیر به اصل تساوی افراد در برابر قانون اشاره دارد. نهایتاً بایستی اشاره گردد طبق ماده یک قانون مالیات‌های مستقیم اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات هستند:

۱. کلیه مالکین اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموال یا املاک خود واقع در ایران

۲. هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج تحصیل می‌کند.

۳. هر شخص حقیقی ایرانی مقیم خارج از ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج تحصیل کند.

۴. هر شخص حقوقی ایرانی نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل کند.

۵. هر شخص غیرایرانی ـ حقوقی و حقیقی ـ نسبت به درآمدهایی که در ایران تحصیل می‌کند و همچنین نسبت به درآمدهایی که بابت واگذاری امتیازات یا سایر حقوق خود یا دادن تعلیمات و کمک‌های فنی با واگذاری فیلم‌های سینمایی از ایران تحصیل می‌کند.

برابر موارد فوق‌الذکر که مبین عمومیت مالیاتی و عدم تبعیض در دریافت مالیات می‌باشد، همچنین برابری تمامی افراد ایرانی و غیرایرانی در قبال درآمدی که در ایران کسب می‌نماید می‌باشد و نهایتاً به عهده گرفتن بخشی از هزینه‌های اداره جامعه به تناسب میزان متنعم بودن ایشان و درآمدهایی که از مواهب و جغرافیای ایران کسب می‌نمایند بیان‌کننده عدالت مالیاتی می‌باشد ولیکن اجرای قوانین و رویه‌های موجود در مقایسه با کشورهای پیشرو در این حوزه مانند مورد مطالعه این پژوهش، کشور امریکا، می‌تواند راهگشا باشد (حقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳).

نرخ مالیات بر ارزش افزوده در ایران از ۶ درصد آغاز و در سال ۱۳۹۴ به ۹ درصد افزایش یافته است که نسبت به اکثر کشورهای اجراکننده این قانون در سطح بسیار پایین‌تری قرار دارد. در اغلب کشورها مانند ایران خدمات مالی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و بهداشتی، آموزشی و پزشکی از معافیت بدون اعتبار مالیاتی برخوردارند. مطابق قوانین ایران که در ساختار نرخ مالیاتی آن، نرخ‌های تخفیفی دیده نمی‌شود معمولاً دامنه کالاها و خدمات دارای معافیت بدون اعتبار مالیاتی، گسترده‌تر می‌باشد.

اطلاعات و آمار موجود، نشانگر آن هستند که اشخاص حقوقی بیش از ۵۰درصد مالیات دولت را تأمین می‌کنند و سایر اقشار، سهم اندکی از درآمد مالیاتی دولت را به دوش می‌کشند. این موضوع، گواه جدی بر دسترسی دولت‌ها به فعالیت‌های شفاف شناسنامه‌دار در تیررس سازمان مالیاتی است و مبین این حقیقت است که پردرآمدها کمتر مالیات می‌پردازند. در عین حال، حاکمیت معافیت‌های نامعقول که انگیزه‌های فرار مالیاتی را در کشور تقویت می‌کند، نه تنها ابزاری برای عدالت مالیاتی نیست که حتی وسیله‌ای برای تبعیض است. این در حالی است که تبعیض در همه ابعاد حیطه اقتصادی دولت‌ها مشهود است. تبعیض در اختصاص هزینه‌های دولت، تبعیض در تأثیر تورم بر اشخاص، تبعیض‌های استانی، تبعیض در میزان و نحوه وصول مالیات و تبعیض در توزیع درآمدها، همگی از مصادیق تبعیض در کشور ما است که مزید بر علت شده است. تبعیض‌های موجود نظام مالیاتی با آنچه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و افق ۱۴۰۴، ارتقای کشور و نیل به رتبه اول را در منطقه هدف قرار می‌دهد و زمینه افزایش رفاه را در کشور فراهم می‌سازد، منافات دارد. از طرفی، نظام مالیاتی کنونی، با خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و ورود شرکت‌های خصوصی جدید، مطابق فرامین مقام معظم رهبری و سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ـ مغایر است حرکت به سمت خصوصی‌سازی در کنار زخم‌هایی که چون خوره، پیکره شرکت‌ها را خورده‌اند، اگر چه درمانی است بر کاهش درد دولت‌ها، اما خود، دردی است مزمن.

مالیاتهای گزاف تولید در داخل کشور، مالیات‌های صادرات، نرخ‌های بهره بالای داخل کشور که عملاً (به واسطه تورم یا مالیات پنهان) قیمت سرمایه را افزایش داده و هزینه‌های تولید را بی‌رویه نموده است و واردات سرسام‌آور اجناس بی‌کیفیت که تولیدکننده داخلی را به مصیبت ورشکستگی و تهدید نابودی تولید داخل مبتلا کرده است، همگی از این دردهاست. این در حالی است که مطابق ماده ۱ قانون مالیات‌های مستقیم، همه افراد اعم از ایرانیانی که در داخل یا خارج درآمد کسب میکنند و محل سکونت آنان در ایران می‌باشد یا خارجیانی که در ایران کسب درآمد می‌کنند، مشمول پرداخت مالیات می‌باشند. به عبارتی همه ایرانیان در پرداخت مالیات و مشارکت در تأمین هزینه‌های دولت مسئولند. در کنار مسائل فوق همه اقتصاددانان، اعم از حامیان دولت و مخالفین، داد سخنی که از خدمات دولتی در سال‌های اخیر سر داده‌اند، بزرگ بودن اشتهای دولت و سیری‌ناپذیری آن در بلعیدن درآمدهاست. تأمین دولت بزرگ، مستلزم درآمد بالاست و تأمین این درآمد، بر دوش اقشاری است که عموماًدولتی نیستند. همچنین ملت اعتماد کافی به دولت نداشته و در رفتارهای نفتی شاهد عدم صداقت دولت بوده‌اند. این در حالی است که دولت بزرگ پرهزینه با بی‌انضباطی‌های مالی خود، مالیات‌های پنهان را به جامعه تحمیل نموده و به دلیل سیاست‌های نادرست اقتصادی در بخش‌های مختلف، موجبات دلسردی آحاد جامعه را پدید آورده و زمینه‌ساز سلب اعتماد و فرار از مشارکت جامعه شده است. (حقانی و همکاران،۱۳۹۴: ۳۵) لذا باید گفت که مالیات از ابزار سیاست مالی دولت‌هاست که در شرایط رونق و رکود اقتصادی، به تنظیم بازار خواهد انجامید و بی‌توجهی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به آن بسیاری از آثار مطلوب سیاست‌های دولت را در شرایط مختلف اقتصادی با ناکامی مواجه خواهد کرد. حال آنکه دولت‌ها با کاهش نرخ مالیات تولید، شرایط رکود اقتصادی را بهبود داده و منجر به حرکت‌های مثبت تولیدی می‌شوند.

- مالیات بر ارزش افزوده در قوانین آمریکا

مالیات بر ارزش افزوده در آمریکا در سال ۱۹۲۱ و با طرح پیشنهادی آقای آدامز به مورد اجرا گذاشته شد. و به دنبال آن در پنج دهه بعد این نوع مالیات به عنوان جایگزین بسیار مناسبی از انواع دیگر مالیات این کشور گردید.

قانون تجدید ساختار مالیاتی در سال ۱۹۷۹ میلادی مصوب شده و شش سال به صورت عمومی‌تر با حداقل ۰/۸درصدی برای محصولات تولیدی پیشنهاد و عملی شد ولیکن به واسطه عدم توازن هزینه و فایده نهایتاً به شکست انجامید. در سال ۱۹۸۵ میلادی طرح سناتور راث به عنوان پیشنهاد دیگری بر مالیات بر ارزش افزوده در حوزه تجاری و از نوع کاهنده پیشنهاد شد که در این روش بنگاه‌ها، ارزش افزوده خود را با کسب هزینه نهاده‌های مشمول مالیات از فروش خود محاسبه می‌کردند. در سال ۱۹۸۷ سناتور هولینگر طرح جدیدتری بر پایه ۱۰درصد برای دریافت مالیات بر ارزش افزوده پیشنهاد کردند[۱].

در سال‌های بعد طرح‌های دیگری در آمریکا با نرخ‌های بالاتر پیشنهاد و ارائه شد. به اعتقاد قانونگذاران و اقتصاددانان آمریکا، مالیات بر ارزش افزوده را به جای مالیاتهای دیگر مالیات بر فروش یا مصرف بواسطه مزایایی که این نوع مالیات داشته و معایب کمتری نسبت به انواع دیگر مالیات می‌توان بر آن داشت پیشنهاد دادند.

به اعتقاد ایشان مالیات بر ارزش افزوده از دیگر انواع مالیاتی دارای اختلال کمتری می‌باشد. از آنجا که مالیات برارزش افزوده بر افزایش ارزش محصول در هر مرحله از تولید وضع می‌گردد، اصولاً نرخ مؤثر مالیاتی برای تمامی تولیدات داخلی برابر خواهد بود. (طالب نیا،۱۳۸۶: ۸۴).

همچنین این گروه معتقد است مالیات بر ارزش افزوده به مفهوم بین دوره ای در مقایسه با مالیات بردرآمد عادلانه‌تر می‌باشد زیرا مالیات بردرآمد علاوه بر درآمد نیروی کار بر بازدهی پس اندازها نیز وضع می‌گردد. در نتیجه مالیات بردرآمد در حالت بین دوره ای، از بالا به پائین می‌باشد. چون مالیات فوق درسال دو بار محاسبه و دریافت می‌شود . یک بار زمان پرداخت حقوق نیروی کار دیگری در زمان استفاده از پس انداز و در نهایت موجب کاهش انگیزه پس انداز و رغبت به کار و تولید بیشتر می‌گردد. و در انتها موجب کاهش تولیدات جامعه می‌گردد.

مطابق نظریات فوق جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده بر انواع دیگر موجب افزایش ۱/۵ درصدی تولید ناخالص داخلی و کاهش قابل ملاحظه هزینه‌های کوتاه مدت بخش تولید می‌گردد. از دیگر محسنات این قانون طبق تحقیقات اندیشمندان و مقننین در آمریکا اجرای مالیات بر ارزش افزوده موجب افزایش پس انداز و تولیدات داخلی می‌شود. البته در کوتاه مدت مالیات بر ارزش افزوده شاید موجب کاهش مصرف جاری گردد ولی اثرات بلند مدت

۱ .tolerance

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

آن پوشش دهنده این ضعف می‌باشد. انتقاد مهمی که بر نظریات فوق در مالیات ایالات متحده وارد گردید می‌توان به این مورد اشاره کرد که مالیات بر ارزش افزوده در کوتاه مدت موجب بهم خوردن عدالت اجتماعی در جامعه می‌گردد. زیرا خانواده هایی با درآمد پائین میزان هزینه مصرفی ایشان نسبت به سطح درآمدی بسیار بیشتر از دیگر گروهها را شامل می‌گردد. پس به نسبت دیگر اقشار بیشتر مالیات پرداخت می‌کنند. از این منظر شاید غیرعادلانه بنظر آید زیرا پرداخت مالیات دردآفرین بوده و موجب کاهش میل به مصرف خواهد گردید.

البته در این کشور برای پوشش ایراد گرفته شده فوق راهکاری در نظر گرفته شده است بدین صورت که کالاهایی که بطور نامتناسبی سطح بالایی از مصرف خانواده‌های کم درآمد را تشکیل میدهند از پرداخت این نوع مالیات معاف شده یا مالیات برارزش افزوده بصورت چند نرخی برای گروههای مختلف کالایی وضع می‌گردد. در ایران مالیات بر ارزش افزوده برای تمامی کالاها یکسان است. تحقیقات انجام شده در سال ۲۰۰۸ م در آمریکا برآورد شده که ۹۴درصد صادرات آمریکا در حال حاضر موضوع مالیات بر ارزش افزوده در آنها می‌باشد. و حُسن مالیات بر ارزش افزوده برعکس مالیات بر درآمد در بخش صادرات آمریکا قابل تطبیق بودن بصورت بین المللی می‌باشد.

همچنین زمانی که کالایی به فروش می‌رسد مالیات بر ارزش افزوده از خریدار دریافت می‌گردد. در حالیکه اگر خریدار کالای آمریکایی در کشوری دیگر یا تبعه غیرآمریکایی باشد از پرداخت مالیات مذکور در جهت عدالت مالیاتی و حمایت از تولید کننده داخلی و همچنین کاهش یافتن قیمت تمام شده کالا برای صادرات و افزایش رقابت پذیری کالاهای تولیدی آمریکا و کسب سهم بیشتر از بازار مصرف‌کنندگان خارجی، معافیت مالیاتی را در پی داشته و این امر موجب افزایش تولیدات داخلی آمریکا و تأیید کننده نظریات فوق الذکر است(چوسن،۲۰۱۲:۷۴).

در حال حاضر با توجه به تجربیات بحران اقتصادی دهه گذشته در آمریکا به نقش مخرب مالیات‌های مستقیم و مالیات بر درآمد می‌توان اشاره نمود پروژه جهانی سازی بصورت گسترده ای تحت تأثیر مبنای مالیاتی آمریکاست. اگر چه مالیات بر ارزش افزوده ثابت نموده که روش جذاب مالیاتی می‌تواند برای دیگر کشورهای عضو سال تجارت جهانی باشد. شاید این موضوع سیستم ایده‌آلی برای آمریکا بواسطه الزامات سیاسی داخلی و نقش مهم آمریکا بعنوان قدرت اقتصادی دنیا نباشد ولیکن در کنار نقاط مثبت غیرقابل چشم پوشی فوق و تأثیرات عمیق آن در افزایش تولید کالا برای صادرات در آمریکا و ایجاد فرصت شغلی برای تولید کنندگان آمریکایی توجیه کننده مورد اخیر می‌باشد. مالیات بر در آمد و تعرفه گمرکی و بسیاری از کالاهای وارداتی ایالات متحده وضع می‌گردد. مطابق قانون و براساس تفاوت در کالاها از صفر تا بیست درصد نرخ این نوع مالیات متغیر می‌باشد. مالیات بر کسب سرمایه (سرمایه‌ای که از فروش دارایی به دست می‌آید) نیز مشمول پرداخت مالیات بوده که برای دوره یک ساله وضع می‌شود. از انواع دیگر مالیات‌ها در ایالات متحده می‌توان به مالیات بر سود سهام، مالیات بر ارث، مالیات بر میزان تاثیر بر محیط زیست، مالیات بر مواد نفتی، مالیات بر کالاهای لوکس، مالیات بر سرمایه‌گذاری و مالیات بر ارزش افزوده اشاره کرد. تعداد انواع مالیات در ایالات متحده را می‌توان تا ۵۰ مورد شمارش نمود مطابق موارد

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فوق‌الذکر و براساس قانون در این کشور به‌طور کلی ۴ نوع مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف، مالیات بر کالاهای لوکس و مالیات املاک وضع می‌گردد.

عدالت مالیاتی در قانون جمهوری اسلامی ایران

هرگونه انحصارطلبی از هر ناحیه که باشد ممنوع اعلام شده است در این مورد در بند ششم اصل سوم چنین آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی به کار گیرد.» (مطهری،۷۷:۱۳۷۴)

همچنین مطابق اصل ۴۳ قانون اساسی عدم تبعیض در بهره‌برداری از درآمدهای ملی، توزیع عادلانه ثروت، بهره‌برداری صحیح از منابع، اخذ مالیات برای تعدیل ثروت به منظور جلوگیری از فاصله‌های فاحش طبقاتی از طریق تعدیل مالکیت‌های خصوصی اشخاص، چارچوب‌های مورد تاکید قانون اساسی برای ترسیم الگوی مصرف صحیح در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است.

عدالت مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌المللی

در حقوق بین الملل مالیات بر ارزش افزوده و اصل برابری و عدالت و تبعیض مالیاتی مورد تاکید می‌باشد و یکی از مواردی که بر آن مهر تایید نهاده شده، عدم وضع مالیات‌های مضاعف بر کالاها می‌باشد و در حقوق بین الملل به عنوان اصل بنیادین حقوق مالیاتی بین‌المللی، عدم تبعیض مالیاتی به عنوان تعیین قانون مالیاتی یک کشور و وضع مالیات بر ارزش افزوده بر مبنای قوانین فوق‌الذکر مورد تاکید است. از دیدگاه حقوق داخلی نیز اصل حقوقی مونالیته[1] مورد تاکید حقوقدانان و اقتصاددانان می‌باشد، همچنین باور و عمل کردن به موضوع فوق موجب عدم تبعیض میان کالاهای داخلی و خارجی شده و ترویج و اجرای عدم تبعیض مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده و دستیابی به عدالت ممکن خواهد بود و چنانچه سیاستگذاران داخلی ایران پس از برجام به دنبال عضویت در سازمان‌های بین المللی همچون سازمان تجارت جهانی و غیره و به تبع آن توانمندسازی اقتصاد داخلی در کنار اقتصاد مقاومتی و مالیات‌دهندگان و به دنبال آن عدم تبعیض مالیاتی بین طیف‌های مالیات‌دهنده داخلی و خارجی باشند، می‌بایست به دنبال اصلاح قوانین موجود مالیاتی ازجمله مالیات بر ارزش افزوده باشند(پروتابا و همکاران،۶۶:1367).

بحث و نتیجه‌گیری

از تعریف فوق چنین مستفاد می‌گردد که استقرار عدالت در انواع گوناگون آن با توجه به تعاریف فوق یکی از آرمانها و دغدغه‌های موسسین ایالات متحده بوده است. برای این منظور مطابق قانون اساسی ایالات متحده، در

۱- مونالیته: اجرای قوانین مصوب بین‌المللی برای اجرایی شدن نیازی به طی مراحل تصویب و اجرا به مانند قوانین داخلی را ندارد مثل قوانین مصوب در کمیسیون اتحادیه اروپا که برای اجرایی شدن نیازی به تصویب پارلمان دول عضو اتحادیه اروپا ندارد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سیستم حقوق این کشور دیوان عالی تعبیه شده برای نظارت بر مصوبات کنگره ایالات متحده و مجالس قانونگذاری ایالتها، دیوان عالی تعبیه شده و چنانچه مصوبات نهادهای فوق با اصول قانون اساسی آمریکا مغایر شناخته شود از سوی دیوان عالی از درجه اعتبار ساقط می‌گردند. همچنان که اشاره شد قانون اساسی هر کشوری، چکیده آرمانهای عموم مردم آن کشور است و برابر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفاظت از آزادی توام با مسولیت افراد همراه با اجرای قسط و عدل، استقلال اقتصادی، سیاسی و غیره بعنوان پایه‌های نظام جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است.

براساس اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت مورد حمایت یکسان قانون قرار داشته و از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

همچنین اصول ۴۴ تا ۵۱ قانون اساسی با تاکید بر اصول اقتصادی و امور مالی عموم ایرانیان بر قانونی بودن مالیات وضع شده اشاره دارد. از دیگر شاخه‌های عدالت می‌توان به عدالت مالیاتی اشاره کرد. که از منظر تئوریک دارای دو جنبه اساسی عدالت افقی و عدالت عمودی است. اگر قانون اساسی را بعنوان تضمین کننده ارزش‌های اساسی و اولیه جامعه بدانیم باید این ارزشها را در نظام مالیاتی هم نهادینه و پیاده سازی کنیم.

از ارزشهای یاد شده می‌توان به حاکمیت ملی، حاکمیت قانون و در انتها حفظ حقوق ملت (حقوق فردی) نام برد. از بهترین مکانیسم‌های تحقق حاکمیت ملی یا مردم سالاری در نظام مالیاتی این است که در تمام مراحل مالیات از جمله وضع، تشخیص، وصول و حل و فصل اختلافات مالیاتی بایستی اجازه حضور و مشارکت و مداخله بیشتر مردم را چه به صورت فردی و چه در غالب تشکل‌های مدنی فراهم نمود.

بر این اساس مردمی کردن تمامی مراحل مالیات لازمه تحقق یکی از ارزشهای بنیادین حقوق اساسی که همان عدالت مالیاتی است در نظام مالیاتی است. همچنین حکومت قانون به معنای نفی خودکامگی و خود سری است. اگر نظام مالیاتی این زمینه را برای مامورین مالیاتی فراهم نماید که در تعیین میزان مالیاتی که می‌بایست توسط مودیان پرداخت گردد، به صورت خودسرانه و نیز مستند و غیر عادلانه مالیات وضع نمایند، به شدت با اصل حاکمیت قانون منافات داشته و باعث خودسرانه شدن نظام مالیاتی گردیده و منجر به شکافهای نظام مالیاتی و احتمال ایجاد فساد و عدم تمکین و فرار مالیاتی خواهد شد. در مورد حقوق مردم که در نظام مالیاتی بدان حقوق مودیان مالیاتی می‌گویند، این حقوق بویژه در مرحله تشخیص و حل اختلاف می‌بایست رعایت گردد. در مرحله حل و فصل اختلافات دادرسی مالیاتی باید مبتنی بر اصول دادرسی منصفانه و عادلانه رفتار نمود. بنابراین به نظر می‌رسد ارزشهای بنیادین حقوق اساسی (سه اصل یاد شده) باید به حقوق مالیاتی و نظام مالیاتی بیش از پیش تزریق گردد. با توجه به تعاریف ارائه شده در مورد عدالت در آمریکا، بروز اعتراضات اجتماعی بواسطه نابرابریهای اقتصادی و حقوقی که از جانب گروههای مختلف اجتماعی بوجود می‌آید، خود مبین تاثیرگذار بودن واژه عدالت در نظام حقوقی و مالی و همچنین فرهنگ اجتماعی ایالات متحده می‌باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با عنایت به اختلافات احزاب دموکرات و جمهوریخواه بر سر قوانین مالیاتی که نشان دهنده عمق اختلافات برای اصلاح نظام مالیاتی آمریکا بوده که در نهایت می‌توان عنوان نمود هیچ دولتی در ایالات متحده بر سرکار نمی آید مگر اینکه یکی از دغدغه‌های خود را در ایجاد عدالت اجتماعی و مخصوصاً وضع و اخذ مالیات و رعایت عدالت مالیاتی بداند. با توجه به شکل کلان اقتصاد و قوانین شکل دهنده آن و ساختار نظام حقوقی و مالی ایران که تقریباً به صورت استثناء در جهان مطرح بوده که به سه محور اقتصاد دولتی، خصوصی و تعاونی استوار است و در کنار تأکید بر مالکیت خصوصی و حقوق آزادی افراد، توجه ویژه ای به حقوق اجتماع و اقتصاد دولتی دارد. مطالب اخیر در کنار تاکید سیستم سرمایه داری (سیستم اقتصاد آمریکا) نظام سوسیالیسم (سیستم اقتصادی دولتی) را محترم می‌شمارد از طرفی برای حمایت از اقشار پایین دست جامعه و ایجاد ارتباط بین دو حوزه دولت و فرد نظام اقتصادی تعاونی را بر پایه اصول اسلامی بنا نهاده است.

با توجه به متن پژوهش، یکی از تفاوتهای عمده در نظام مالیاتی ایالات متحده و ایران این است که نقطه تاثیر معافیت‌های مالیاتی در ایران در زمان پرداخت درآمد مودی در نقطه پرداخت است به این معنی که اگر معافیتی وجود داشته باشد پرداخت کننده مالیات باید آن را رعایت کند. در حالیکه در نظام مالیاتی آمریکا پرداخت کننده مالیات بدون توجه به هرگونه معافیت مالیاتی با توجه به ضرائب موجود مالیات محاسبه شده را پرداخت می‌نماید و یا به دیگر سخن معافیت‌های قانون مالیات در زمان تکمیل و تسلیم اظهارنامه اعمال می‌شوند نه در زمان پرداخت مالیات ثانیاً در نظام مالیاتی ایران معافیت مالیاتی اضافی برای شخص مودی و افراد تحت تکفل وی از دید قانونگذار پیش بینی نگردیده است در حالیکه در ایالات متحده در صورت داشتن هرگونه محرومیت و معلولیت فردی و افراد تحت تکفل مودیان و یا هرگونه کمک به ستادهای انتخاباتی و یا کمک ها و هزینه‌های اجتماعی مودیان از مبلغ نهایی مالیاتشان کسر می‌گردد. به همین منظور ارتباط متقابل عمیق تری بین اداره مالیات و مودیان منهای آنچه بواسطه پرداخت مالیات اعمال می‌گردد ایجاد می‌شود. بنابراین با توجه به شکل اقتصاد ایالات متحده که بر پایه اندیشه سیاسی لیبرالیسم و در پی حمایت از سرمایه داری (کاپیتالیسم) و بخش خصوصی است استفاده صرف از تجربیات این کشور و انطباق آن با قوانین جمهوری اسلامی ایران با توجه به شکل کلی اقتصاد نمی تواند مفید فایده واقع شود. البته بایستی اشاره نمود میزان درک و فهم هر شخصی از منافع ملی موجب مشارکت مدنی و مرتکبین مالیاتی وی می‌شود. و اعسار قانونی برای مشمولین مالیاتی نیز ایجاد شده است در حالیکه برای پرداخت مالیات اسلامی، افراد با خود اظهاری و رضایت قلبی به همراه تمکین در تأمین هزینه‌های جامعه از طریق پرداخت مالیات مشارکت می‌کنند.

منابع

۱. پروتابا، لوئی و کوه تره، ژان ماری،(۱۳۶۷). *حقوق مالیاتی*. مترجم یزدان بخش. محمدعلی. تهران: نشر قانون.

۲. توسلی نایینی، منوچهر و باقری مصطفی.(۱۳۹۴). *تجزیه و تحلیل قراردادهای دارای شرط پرداخت مالیات توسط انتقال‌گیرنده در نظام حقوقی ایران*. پژوهشکده مالیات. شماره ۲۷.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳. حسینی، سدمحمد.(۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
۴. حقانی محمود، نفری ندا، نامدار نادر.(۱۳۹۴).*مالیات و رابطه عدالت و تمکین*.نشر تعالی. تهران:سمت.
راولز، جان.(۱۹۷۱). *نظریه عدالت*، مجله دانشگاهی آکسفورد.
۵. رنگریز حسن و خورشیدی غلامحسین.(۱۳۸۳). *مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت*. چاژ سوم، تهران: نشر بازرگانی.
۶. سورونی، ویکتور.(۱۳۸۲). *طراحی و نگارش قانون مالیاتی*. مترجم ملانظر. مرتضی. جلد اول. تهران: دفتر اطلاعات مالیاتی، معاونت عملیاتی سازمان امور مالیاتی کشور .
۷. طالب نیا قدرت اله(۱۳۸۶). *بررسی مقایسه ای قانون مالیات های مستقیم*. مجله حسابرس. سال دهم. شماره ۳۶.
۸. طاهری تاری، میرمحسن.(۱۳۹۳). *اصل برابری و عدالت مالیاتی در آیینه حقوق بشر*. تهران: شهر دانش.
۹. مطهری، مرتضی.(۱۳۷۴). *عدل الهی*. چاپ نهم. تهران: صدرا.
۱۰. منکیو ، گرمیگوری ، ارباب ، حمیدرضا.(۱۳۹۱). *کلیات علم اقتصاد*. چاپ اول. تهران :نشرنی .
۱۱. ویژه، محمدرضا.(۱۳۹۳). *مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین*. نشر دوم. نشریه حقوق اساسی.
۱۲. هاروی، دیوید.(۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی و شهر*، مترجم: حسامیان، فرخ و حامیری، محمدرضا، تهران:شرکت پردازش برنامه‌ریزی شهری.
۱۳. یزدانی زنوز، هرمز.(۱۳۹۳). *بررسی لزوم حمایت کیفری از افراد در برابر جرایم مبتنی بر تبعیض*.نشریه حقوق اساسی. سال پنجم. ش ۱۰.
۱۴. دیرباز عسگر.(۱۳۸۰). *عدالت اقتصادی در کلام و سیره امام علی(ع)*. جمله حوزه و دانشگاه.ش ۲۷.

منابع انگلیسی:

15. Hines, James and Lawrence Summer. (2009). How Globalization Affects Tax Design. NBER Working Paper No. 14664.
16. Jump up- carl davis, Kelly davis, matthew Gardner Roberts. Mclntyre, Jeff- ynch, Alla sapozhinkova.(۲۰۰۹), “ho pays? A Distributional Analysis of the tan systems in All 50 states” institute on Tauation & Economic Policy, Third Edition, November 2009, PP 118.
17. Brown, R.E & Mazur, M.J (2003), "IRS"s comprehensive Approach to compliance", Paper presented at national tax Association Spring symposium in May 2003, Washington D.C.
18. Desai, Mihir A. and James A. Hines. (2005). Value- Added Taxes and International Trade: The Evidence, Mimeo, University of Michigan.
19. Michael w .N chosen (۲۰۱۲). value- Added Takes and U.S. Trade competitiveness, office of compaction and Economic Analysis Intonation Trade Administration U.S. Department of commerce

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

شماره ۳۶، دوره اول، سال پنجم، بهار ۱۳۹۹، صص ۱-۲۴

A Comparative Study on Tayation Justice in the Legal System of Iran and The USA

Abstract

Collecting tax income is necessary for every governments, states and eventually, every societies. Taxation system, besides collecting tax income for providing public costs of a country and governing a society, tries to create economic and social justice. In order to set up a just taxation system which is in accordance with a country's cultural, social and religious structures, one should identify the causes of tax evasion in that country. With regard to Iran, we not only should discover the causes of tax evasion, but also have to examine the dual taxation system (religious and national). We also need to find how developed countries such as the United States have developed and try to use their long and successful experiences. This study which is conducted using the descriptive-analytical method is somehow an applied one and tries to take into account the degrees and proximities of the two economic systems of Iran and the US especially in the field of financial law to find out how lawyers and economists of the two countries are eager to examine relevant challenges and opportunities. Studying the development of behavioral ,normative and structural supervision on the process of collecting taxation income , especially the just behaviors , I try to take the first step toward a scientific and legal deep-thinking which is nothing to do with of economic discussions and is focused on legal dimensions.

Results shows that , considering the form of the US's economy which is based on Liberalism and seeks to support Capitalism and private sector , the mere exploitation of the experiences of Americans and try to adapt them with the Islamic Republic of Iran's law and regulations isn't useful.

Keywords: Tax, Taxes in Iran, Universality, Tax Justice, American Taxation, Tax Law

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]